

حسین حقانی زنجانی

# فرق کفر و شرک

## از دیدگاه قرآن و احادیث

در مباحث مربوط به کفر از دیدگاه قرآن و احادیث دو سؤال اساسی وجود دارد که لازم است به اصل این دو سؤال و پاسخ آندو پرداخته شود.

سؤال اول اینکه آیا میان کفر و شرک در لغت و عرف و شرع فرقی وجود دارد؟  
سؤال دوم اینکه اقسام شرک کدامند؟

در پاسخ سؤال اول گفته می شود آری میان کفر و شرک از دیدگاه اهل لغت و عرف و شرع فرق اساسی وجود دارد.

در دیدگاه پیشوایان اسلام ایمان در مقابل کفر قرار دارد پس کسی که مؤمن است کافر نیست و کسی که کافر است مؤمن نیست و لکن این، منافاتی ندارد کسی که کافر نباشد و در عین حال نیز مؤمن واقعی نبوده مشرک باشد به این معنی که اصل شرک با اعتقاد قلبی و باطنی به خالق آفریدگار جهان منافاتی ندارد و قابل جمع اند و لذا شرک از شریک می آید یعنی ممکن است انسانهایی پیدا شوند که به حسب ظاهر معتقد به آفریدگار جهان باشند و لکن در صفات و افعال و یا ذات او شریکی برای او قائل باشند و لذا مخالفین و دشمنان اسلام در صدر اسلام به هنگام ادعای نبوت و ابلاغ رسالت و اعلام قرآن به عنوان معجزه الهی، اکثرأ از این قبیل بودند یعنی معتقد به صانع و آفریدگار جهان بودند و در عین حال موجود دیگری غیر از خدا را در افعال و صفات و یا در تدبیر امور جهان دخیل می دانستند، آنان مشرک خوانده می شوند یعنی موجود دیگری را به تعبیر قرآن شفعاء عند الله مطرح می ساختند! مثلاً می گفتند:

يَقُولُونَ هُوَ لَآءِ شُفَعَاءُنَا عِنْدَ اللَّهِ (یونس، ۱۸) اینان یعنی غیر خدا از بتان، نزد خداوند شفیعان ما

هستند!

چنانکه ملاحظه می کنید صریح آیه این است که اینان کافر به معنای منکر ألوهیت

و صانع و مدیر و مدبر نیستند و لکن از دیدگاه اسلام مشرک نامیده می‌شوند و لذا قرآن در آیات متعددی این فکر و نظر را مورد انتقاد قرار داده رد می‌کند که نه، جز خداوند هیچ موجودی با خداوند در تدبیر امور و مغفرت و آمرزش بندگان و... دخالتی ندارند یعنی نمی‌توانند شفیع باشند. شاهد برگفتار بالا آیات زیر است:

۱- **مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَيْنِنَا** (یونس، ۳) در روز قیامت شفیمی شفاعت نمی‌کند جز بعد از اذن

از خداوند.

۲- **مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ** **أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ** (سجده، ۴) جز خداوند برای شما دوست و

شفیمی نیست پس آیا متذکر نمی‌شوید؟

۳- **مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَسِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ** (غافر، ۱۸) برای ستمکاران در روز قیامت نه خویشی

است و نه شفیمی که مورد اطاعت واقع گردد.

۴- **وَأَمْ تَكُنْ لَهُمْ مِنْ شُرَكَائِهِمْ شُفَعَاءَ** (روم، ۱۳) برای آنان شرکائی که شفیمان در روز قیامت

باشد، وجود ندارد.

۵- **أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ شُفَعَاءَ** (زمر، ۴۳) آیا آنان غیر خداوند را شفیمان خود اخذ کرده‌اند؟

و نظیر این آیات در قرآن زیاد است: سوره بقره آیات ۴۸ و ۱۲۳ و ۲۵۳ - سوره

نساء، آیه ۸۵ - سوره مریم، آیه ۸۷ - سوره طه آیه ۱۰۹ - سوره سبأ، آیه ۲۳ - سوره زمر، آیه

۴۴ - سوره زخرف، آیه ۸۶ - مدثر، آیه ۴۸ و غیر اینها از آیات مراجعه نمایید.

از مجموع این آیات در قرآن صریحاً استفاده می‌شود که بین شرک و کفر فرقی

وجود دارد این فرق در کلمات پیشوایان اسلامی نیز به صراحت بیان شده است مثلاً در

یک روایتی (کانف، ج ۲، ص ۴۱) از امام باقر(ع) چنین نقل شده است: **كُلُّ شَيْءٍ يَجْزِيهِ الْإِقْرَارُ**

**وَالْتَسْلِيمُ فَهُوَ الْإِيْمَانُ وَكُلُّ شَيْءٍ يَجْزِيهِ الْإِنْكَارُ وَالْجُحُودُ وَهُوَ الْكُفْرُ** هرآنچه چیزی که اقرار و تسلیم

منجر به او گردد، ایمان است و هر آن چیزی که انکار خداوند به آن منتهی گردد کفر محسوب می‌شود.

و در روایت دیگری از امام صادق(ع) در توضیح این آیه شریفه: **وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ**

**بِاللَّهِ إِلَّا...** می‌فرماید: **يطيع الشيطان من حيث لا يعلم فيشرك** یعنی اینان درحالی که خودشان علم

به آن ندارند اطاعت شیطان می‌کنند پس مشرک محسوب می‌شوند.

پس فرق بین کفر و شرک به این معنا برمی‌گردد که هرکه با علم و اراده، انکار خدا

کند و او را نفی نماید، کافر محسوب می‌گردد و کسی که انکار او در حالی که به این انکار

خود علم نداشته باشد و اطاعت شیطان و غیر خدا را بکند بدون اینکه علم به آن داشته باشد شرک محسوب می‌گردد و در حقیقت شیطان را پرستیده نه خدا را.

کسی که دیگری را در عمل معصیت خداوند تبعیت کند پس او را پرستیده است و این یکی از مصادیق شرک می‌باشد.

و در قرآن نیز تبعیت از **أخبار و رهبانان** و بزرگان دین مسیح را به عنوان عبادت خدایان غیر خدا یاد می‌کند و آنان را مشرک می‌خواند (وَاتَّخَذُوا آخْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ) (توبه، ۳۱) پس تبعیت از غیر خدا از رهبانان و اخبار مسیحیت و اطاعت شیطان و پرستش او به معنای شرک محسوب می‌گردد چنانکه روایت ابن یقطین از امام باقر (ع) دلالت بر این معنا دارد (مراجعه کنید به وافی ج ۳، ص ۴۱).

همین سؤال بالا و پاسخ آن مطلبی است که در زمان حضور ائمه (ع) نیز برخی از افکار را به خود مشغول داشته بود و لذا از ائمه (ع) از فرق بین کفر و شرک سؤال می‌کردند.

زراره از امام باقر (ع) چنین نقل می‌کند که: **إِنَّ الْكُفْرَ لَا قَدَمَ مِنَ الشَّرْكِ وَأَخْبَثٌ وَأَعْظَمُ** کفر از شرک جلوتر بوده و از حیث ذات و آثار بزرگ‌تر و خبیث‌تر از شرک می‌باشد.

جالب این است که امام (ع) برای اثبات ادعای خود از قرآن جریان کفر ابلیس را شاهد می‌آورد که او از سجده به آدم و اطاعت از امر پروردگار سرپیچی کرد و به خدا کافر گشت پس کفر از حیث ذات و آثار از شرک بزرگ‌تر و مهم‌تر می‌باشد.

و عبارت امام (ع) در این خصوص چنین است:  
**فَالْكَفْرُ أَظْهَمُ مِنَ الشَّرْكِ فَمَنْ اخْتَارَ عَلَى اللَّهِ وَآيِ الطَّاعَةِ وَأَقَامَ عَلَى الْكِبَائِرِ فَهُوَ كَافِرٌ**  
**وَمَنْ نَسَبَ دِينًا غَيْرَ دِينِ الْمُؤْمِنِينَ فَهُوَ مُشْرِكٌ** (وافی، ج ۳، ص ۴۱) پس کفر از شرک به ملاحظه ذات و آثار مهم‌تر می‌باشد پس کسی که در برابر خداوند موجود دیگری را اختیار و از او تبعیت کند و از اطاعت خداوند سرپیچی کرده کبائر را مرتکب شود، او کافر می‌باشد و کسی که دینی را غیر دین مؤمنان واقعی انتخاب کند، او مشرک می‌باشد.

و در روایت دیگری از امام صادق (ع) صریحاً اعلام می‌کند که کفر از شرک به ملاحظه ذات و آثار جلوتر بوده، ابلیس اولین کافر در برابر پروردگار خود می‌باشد بدون اینکه مستقیماً مشرک بوده باشد (وافی، ج ۳، ص ۴۲) یعنی شرک جزو گناهان هفتگانه کبیره است که

ابو بصیر از امام صادق (ع) آن را نقل می‌کند و آن را در ردیف قتل نفس عمدی و رباخواری و عاقی والدین و... به حساب آورده است (وافی ج ۳، ص ۱۷۵) عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: **الْكِبَائِرُ سَبْعَةٌ مِنْهَا قَتْلُ النَّفْسِ مُتَعَمِّدًا وَالشُّرْكَ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَ..**

و نیز شرک بالله از انواع سه گانه ظلم و ستمی است که هرگز آمرزش در آن راه

ندارد!

آنجا که رسول خدا میفرماید: **أَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يَغْفِرُ فَالشُّرْكَ بِاللَّهِ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ**

اما ظلم و ستمی که هرگز آمرزیده نمی‌شود شرک به خداوند است چنانکه خداوند در قرآن مجید

می‌فرماید: خداوند هرگز نمی‌آمرزد کسی را که شرک به خداوند ورزد و لکن کمتر از شرک برای کسانی را که خداوند بخواهد می‌آمرزد.

و نیز شرک در احادیث معتبر به عنوان مبعوض ترین اعمال انسانها نام برده شده

(روایت منقول از امام صادق (ع)، (بحار ج ۷۲، ص ۱۰۶) و لکن با همه اینها در کفر اصلاً مسأله مغفرت و آمرزش و اینکه گناه است یا نه، مطرح نمی‌باشد پس امکان دارد انسانهای مؤمن در عین اینکه بحسب ظاهر عبادت خداوند به جای می‌آورند و ظاهراً مؤمن محسوب می‌گردند عملی انجام دهند که شرک بوده و آنان را وارد در وادی شرک بالله کند لذا در روایات و احادیث معتبر وارد است که انسانهای مؤمن دائماً در معرض شرک قرار دارند و باید همواره از آن به خدا پناه ببرند چنانکه انبیاء و ائمه (ع) همواره از آن به خدا پناه می‌بردند.

امام صادق (ع) می‌فرماید: **كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يَتَقَوَّدُ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ بَيْتِ خِصَالٍ مِنَ الشُّكِّ وَالشُّرْكِ وَالْحَمِيَّةِ وَالغَضَبِ وَالتَّبَعِي وَالْحَسَدِ** رسول خدا در هر روز از شش خصلت به خدا پناه می‌برد و آن شش خصلت عبارتند از: شک در ذات خدا و صفات و افعال او و شرک به او و ورزیدن و سخت‌گیری و عصبانیت بیجا و خشم و ظلم و حسد (اثنی عشریه، ص ۲۲۷) و باز در روایت دیگری در این خصوص وارد شده است و در آن روایت همه انسانها را از افتادن در شرک و عمل شرک‌آمیز هشدار داده است.

پیامبرگرامی اسلام (ص) خطاب به ابن مسعود می‌فرماید: **إِنَّا أَنْ لَا تُشْرِكَ بِاللَّهِ حَرْقَةٌ** همین .. یعنی ای ابن مسعود به خداوند پناه ببر از اینکه با یک چشم برهم زدن جزو مشرکان گردی و به

خداوند شرک بورزی (بحار ج ۷۷، ص ۱۰۷) لذا حالت شرک به خدا در روایات و احادیث معتبر از جمله شرور به حساب آمده است.

پیامبر گرامی اسلام (ص) ضمن روایتی فرمود: **خِصْلَتَانِ لَيْسَ فَوْقَهُمَا مِنَ الشَّرِّ شَيْءٌ الشُّرْكُ بِاللَّهِ وَالضَّرَّ لِعِبَادِ اللَّهِ** دو خصلت و دو صفت است که فوق آنها شری وجود ندارد یکی شرک به خداوند و دیگری زیان رساندن به بندگان خدا است (بحار ج ۷۷، ص ۱۳۷).

از اینجا است که مسأله نیفتادن در معرض شرک از جمله توصیه‌های پیامبر (ص) به همه انسانهاست آنجا که از رسول خدا چنین نقل شده است: **أَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ رَسُولَ اللَّهِ أَوْحِي فَقَالَ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ شَيْئاً وَإِنْ حُرِّقَتْ بِالنَّارِ وَهَدَّبَتْ وَالأَلُّ قَلْبِكَ مُطْمَئِنُّ بِالْإِيمَانِ** مردی از رسول خدا خواست که او را وصیت کند فرمود: به خدا شرک نوزگرچه در آتش بسوزی و معذب باشی و در این صورت قلب تو با ایمان، حالت طمأنینه پیدا می‌کند (بحار ج ۷۷، ص ۱۴۴).

### سؤال

حال این سؤال مطرح است که چگونه هر انسانی همواره در معرض آفت و بیماری بزرگ شرک قرار دارد پاسخ این سؤال این است که اصولاً اطاعت از غیر خدا و شرکت غیر خدا در افعال عبادی انسانها از امور قلبی بوده، می‌تواند توسط شیطان در اعماق نفس هر انسانی وارد شده، رسوخ داشته و بدینوسیله تمام انسانها حتی انسانهای مؤمن را از اطاعت خالصانه پروردگار منحرف سازد و پیشوایان اسلام در روایات و احادیث، نفوذ شرک در نفوس انسانها را به حرکت مورچه در روی شیء صاف به هنگام شب تشبیه نموده‌اند که چگونه مورچه آرام و مخفی و بی‌سر و صدا حرکت می‌کند به طوری که در ظاهر هیچ اثری از آن پیدا نیست چه بسا انسانهایی که در عین اینکه به ظاهر عمل خالص خدائی و به خیال خود صددرصد خالصانه انجام می‌دهند چه بسا دچار ریا و تکبر و حسد و... ویا یک نوع اطاعت غیر خدائی گردد و همین اندازه در تصویر شرک و نفوذ آن در اعمال انسانها کافی است.

مسعدة بن صدقه از امام صادق (ع) از قول پیامبر (ص) **إِنَّ الشُّرْكَ أَخْفَى مِنْ دَبِيبِ النَّمْلِ عَلَى صَفَاةٍ سَوْدَاءٍ فِي نَيْلَةِ ظَمَاءٍ** (بحار ج ۷۲، ص ۹۳ و ۹۶).

یعنی نفوذ شرک در نفوس انسانها مخفی‌تر است از حرکت مورچه بر روی شیء صاف سیاه در شب

ظلمانی و تاریک سؤال نمود و سپس یک نمونه از موارد شرک را در همین روایت بیان می‌کند که برخی از مؤمنین خالص از روی کمال عقیده بحسب ظاهر بت‌های مشرکین را دشنام می‌دهند و آنان نیز در مقابل این دشنام خداوند را سب می‌کنند و همین عمل بحسب ظاهر نیکوی مؤمن گرچه از روی کمال اخلاص به خداوند انجام گرفته و لکن بحسب واقع باعث شرک آنان می‌گردد و یک مورد دیگر از شرک در روایت دیگری از امام صادق (ع) نقل شده است آنجا که بنده موجود دیگری را در رزق دادن خداوند به بندگان دخالت می‌دهد (بحار ج ۷۲، ص ۹۹).

### اقسام شرک کدامند؟

از اینجا خوانندگان عزیز می‌توانند پاسخ سؤال دوم یعنی اینکه اقسام شرک کدامند؟ را دریابند و حاصل پاسخ این است که شرک یک معنایی است که دامنه وسیع دارد و در همه اعمال و عقائد و حتی خطورات ذهنی و افکار و غیر اینها شرک می‌تواند راه پیدا کند یعنی می‌تواند همه اعمال عبادی آنان اعمال شرک آمیز و افکار و حتی خطورهای ذهنی انسانهای مؤمن همه آلوده به آفت شرک باشد.

از اینرو شرک از دیدگاه پیشوایان اسلام به یک ملاحظه به شرک طاعت و ترک عبادت تقسیم بندی شده است.

تفصیل از امام باقر (ع) از آیه شریفه *وَمَا يُؤْمِنُ إِلَّا بِاللَّهِ وَهُمْ مُشْرِكُونَ* (یوسف، ۱۰۶). یعنی: اکثریت اینان ایمان نمی‌آورند جز اینکه به خدا شرک می‌ورزند سؤال کرد در پاسخ آن امام باقر (ع) فرمود: *شِرْكٌ طَاعَةٌ لَيْسَ شِرْكٌ عِبَادَةٌ وَ الْمَعَاصِي الَّتِي يَزْتَكِيُونَ فَمِنْ شِرْكٍ طَاعَةٌ أَطَاعُوا فِيهَا الشَّيْطَانَ مَا شَرَكُوا بِاللَّهِ فِي الطَّاعَةِ لِقَبْرِهِ وَ لَيْسَ بِشِرْكَ عِبَادَةٌ أَنْ يَعْبُدُوا غَيْرَ اللَّهِ* یعنی: این عمل آنان جزو شرک طاعت محسوب می‌گردد نه شرک در عبادت یعنی گناهان و معاصی که اینان مرتکب می‌شوند از قبیل شرک طاعت یعنی شیطان را طاعت می‌کنند و شرک به خداوند می‌ورزند از طاعت غیر او و از قبیل شرک عبادت نیست اینکه عبادت غیر خدای را به جای آورند (بحار ج ۷۲، ص ۹۴).